

## ورود مسلمانان در شبه‌قاره

### پاکستان و هند

#### و شرح توسعه اقتدار سیاسی آنان تا اواخر قرن هشتم هجری

بعد از وفات سلطان محمود (۳۲۱-۱۰۳۰) سلاجقه در خراسان قوت گرفتند، و در ۳۲۹-۱۰۳۷ سلطان مسعود ابن محمود را شکست داده خراسان را برای خود استخلاص نمودند، و از آن بعد توجه سلاطین غزنوی بجانب شبه‌قاره منعطف گردید. و در بعضی اوقات سرداران لشکر دولت غزنویه برای نشان دادن شورشی یا برای وصول خراج از دست نشانده‌های سلطان بر نواحی شبه‌قاره حمله می‌کردند، چنانچه در دوره حکومت سلطان مسعود احمدینالتکین<sup>۱</sup> در شعبان ۳۲۲ ژوئن ۱۳۰۱ سالار لشکر معین گردید تا بشبه‌قاره رفته «غزو کند و خراجها بستاند» (۴) دو سال بعد احمدینالتکین بالشکری بهند تا شهر بنارس رفت که تفصیل وقایع مزبور را ابوالفضل بیهقی بدین طریق آورده است :

« احمدینالتکین باغازیان و لشکر لوهور رفت و خراجها از تکران بتامی بستند و در کشید و از آب گنگ گزاره شد و بر چپ رفت و ناگاه بر شهری زد که آنرا بنارس گویند، از

۱ - بیشتری از مورخین شبه‌قاره ینالتکین را بتقدیم نون نوشته‌اند ( رجوع کنید به Bihar through the Ages ص ۳۱۸ و «تاریخ مسلمانان پاکستان و بهارت (هند)» ص ۱۳۰ ولی در «تاریخ بیهقی» که در ۱۳۲۳ هجری شمس باهتمام دکتر غنی و دکتر فیاض در طهران بطبع رسیده است، در پاورقی دوم صفحه ۲۶۶ در ضمن کلمه ینالتکین نوشته است « ینال بتقدیم باع مفتوح بر نون است، چنانکه شارح عتبی تصریح کرده است و عمه نسخه‌های ما غیر از آنرا بغلط بتقدیم نون نوشته‌اند - بنا بگفته خوارزمی (ص ۲۲) «ینالتکین» عنوان جانشینان بعضی از ملوک ترک بوده است»

۲ - تاریخ بیهقی، تألیف ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی، باهتمام دکتر غنی و

دکتر فیاض، طهران ۱۳۲۳ ش، ص ۲۶۸

ولایت گنگ بود و لشکر اسلام بهیچ روز گار آنجا نرسیده بود شهری دوفر سنگ در دوفر سنگ و آبهای بسیار و لشکر از نماز بامداد تا نماز دیگر بیش مقام نتوانست کرد، که خطر بود و بازار بزازان و عطاران و گوهر فروشان. ازین سه بازار ممکن نشد بیشتر غارت کردن. لشکر توانگر اند چنانکه همه زر و سیم و عطر و جواهر یافتند و بمراد باز گشتند،<sup>۱</sup>

بعد از وفات سلطان مسعود (۳۳۲-۱۰۳۰) قوت سلاطین غزنویه رو بزوال نهاد و غوریان قوت گرفتند و در ۵۳۷-۱۱۵۲ علاء الدین حسین ابن عزالدین غوری بر شهر غزنین حمله کرد و عمارات سلاطین غزنویه را آتش زد و لقب «جهان سوز» یافت - بهرام شاه غزنوی (۵۱۲-۵۳۷-۱۱۱۸-۱۱۵۲) از غزنین بجانب شبه قاره فرار کرد، ولی در بین راه وفات یافت و پسرش خسرو شاه جانشین او گردید - خسرو شاه در ۵۵۵-۱۱۶۰ وفات یافت و پسر او خسرو ملک بر تخت سلطنت نشست<sup>۲</sup>

در سال ۵۵۷-۱۱۶۱ ترکان غزیر غزنین حمله کردند و سلطان خسرو ملک تاب مقاومت آنان نیاورده بلاهور رسید<sup>۳</sup> و در سال ۵۵۹-۱۱۶۳ غیاث الدین محمد ابن بها الدین سام ابن عزالدین حسن غوری شهر غزنین را از ترکان غز گرفت و توجهات خود را بجانب شبه قاره منصرف نمود و در ۵۵۲-۱۱۸۶ شهر لاهور که بعد از غزنین پایتخت غزنویان شده بود بدست شهاب الدین محمد، برادر غیاث الدین محمد، افتاد و سلطنت غزنویان پختمه رسید<sup>۴</sup> سلسله لشکر کشی های شهاب الدین محمد غوری بر شبه قاره چند سال دوام داشت و سرداران غوری در ظرف چند سال دیگر دامنه فتوحات خود را تا استان بنگاله کشیدند و در نواحی مفتوحه خطبه بنام پادشاه مسلمان خوانده شد.

غیاث الدین محمد غوری در ۵۹۹-۱۲۰۲ وفات یافت و برادرش شهاب الدین بلقب سلطان معز الدین محمد غوری جانشین او گردید<sup>۵</sup>

لشکریان سلطان علاء الدین محمد خوارزم شاه (۵۹۶-۶۱۷-۱۱۹۹-۱۲۲۰) در سال ۶۰۳-۱۲۰۶ بر نواحی غور هجوم آوردند و سلطان معز الدین محمد غوری که در آن ایام در لاهور بود از لاهور بجانب غور شتافت ولی در بین راه بدست افراد قبیله گکهر شهادت یافت و برادر زاده اش محمود بن غیاث الدین محمد جانشین او گردید<sup>۶</sup> تاریخ شهادت سلطان معز الدین محمد از قطعه ذیل معلوم می گردد :

۱ - «تاریخ بیهقی» ص ۳۰۲

۲ - «تاریخ پاکستان و هند» ص ۱۸۲-۱۸۶

۳ - «تاریخ زبان فارسی» تألیف دکتر غلام سرور طبع کراچی ۱۹۶۳ م ص ۷۰

۴ - «تاریخ زبان فارسی» تألیف دکتر غلام سرور طبع کراچی ۱۹۶۳ م ص ۷۱

5 - The Mobawwodn Dynasties, Slavley Laue-Poole Pavis, 1925, p, 293

6 - 293-294 pp, ایضاً

شهادت ملك بحرو بر معزالدین  
سوم زغره شعبان بسال شش و دوم  
کزابندای جهان مثل او نیامد يك  
فتاده در ره غزنین به منزل دمیک ۱  
علاءالدین محمد خوارزم شاه تمام نواحی غور را در ۶۱۲-۱۲۱۵ بتصرف خود  
در آورد و پادشاهی غوریان بختامه رسید ۴

### سلاطین دهلی ۶۰۲-۹۳۲-۱۲۰۶-۱۵۲۶

دوره حکومت خانواده‌های سلاطین مسلمان دهلی مشتمل است بر پنج خانواده ذیل  
که پادشاهی آنان از ۶۰۲ تا ۹۳۲-۱۲۰۶ تا ۱۵۲۶ دوام داشته و پادشاهی آخرین خانواده یعنی  
لودیان که از ۸۵۵ تا ۹۳۲-۱۴۵۱ تا ۱۵۲۶ دوام داشت بدست بابر پادشاه مؤسس سلطنت  
شهنشاهان مغول تیموریه در ۹۳۲-۱۵۲۶ بختامه رسیده است. این خانواده‌ها عبارت‌اند از:

- ۱ - سلاطین مملوک ۶۰۲-۶۸۹-۱۲۰۶-۱۲۹۰
  - ۲ - سلاطین خلجی ۶۸۹-۷۲۰-۱۲۹۰-۱۳۲۰
  - ۳ - سلاطین تغلقیه ۷۲۰-۸۱۷-۱۳۲۰-۱۴۱۴
  - ۴ - سلاطین سادات ۸۱۷-۸۵۵-۱۴۱۴-۱۴۵۱
  - ۵ - سلاطین لودی ۸۵۵-۹۳۲-۱۴۵۱-۱۵۲۶ (۳)
- سلاطین مملوک ۶۰۲ - ۶۸۹ - ۱۲۰۶ - ۱۲۹۰

اولین خانواده سلاطین مسلمان که فرمانروایی مستقل بیشتری از نواحی شبه‌قاره  
را بدست آورد و شهردهلی را پایتخت خود قرارداد، خانواده سلاطین مملوک بوده است.  
مؤسس خانواده سلاطین مملوک قطب‌الدین ایبک غلام معزالدین محمد غوری بوده  
و بهمین مناسبت این خانواده موسوم به «خانواده سلاطین مملوک» گردید - قطب‌الدین ایبک  
بنا بر استعداد ذاتی خود و تهور و شجاعت بی‌نظیری که به‌مراهی معزالدین غوری در جنگ‌های  
شبه‌قاره برز داده بود، در سنه ۵۸۸ - ۱۱۹۲ به مقام سرلشکری و نیابت در شبه‌قاره  
رسیده بود - ۴.

سلطان معزالدین محمد غوری چنانکه گذشت در ۶۰۲ - ۱۲۰۶ شهادت یافت و  
برادرزاده اش محمود ابن غیاث‌الدین محمد بر تخت غور جلوس نمود. سلطان محمود ابن  
سلطان غیاث‌الدین محمد استقلال پادشاهی شبه‌قاره را در حق قطب‌الدین ایبک قبول نمود و

۱ - «تاریخ مسلمانان پاکستان و بهارت (هند)»، ص ۱۵۶

2 - The Mohammadan Dynasties, p. 294

۳ - «طبقات سلاطین اسلام»، تألیف استائلی لین‌پول و ترجمه عباس اقبال چاپ تهران

۱۳۱۲ هجری شمسی ص ۲۶۸-۲۶۹

4- An Advanced History of India, R. C. Majumder  
& others, London, 1960, p. 279

چترشاهی و خطاب سلطانی و خط آزادی برای قطب‌الدین ایبک فرستاد.<sup>۱</sup>  
 قطب‌الدین ایبک در موقع وفات سلطان معزالدین محمد غوری در لاهور بود، و در همان محل بر تخت سلطنت نشست و به دهلی رفته شهر دهلی را پایتخت اولین سلطنت مستقل اسلامی در شبه قاره قرار داد و لقب «سلطانی» را برای خود گرفت.<sup>۲</sup>

قطب‌الدین ایبک در دوره نیابت معزالدین در هند مسجد بسیار بزرگی را که بنام مسجد «قوت‌الاسلام» معروف است در دهلی تأسیس نمود ولی متأسفانه در نتیجه وفات ناگهانی او تعمیرش بی‌ایه تکمیل نرسید و فقط یک منار آن که با نام «قطب مینار» شهرت دارد، امروز نیز در عجائب شهر دهلی بشمار می‌رود و بلندی مناره مزبوره ۲۳۸ فوت (در حدود هفتاد و دو و نیم متر) می‌باشد.<sup>۳</sup>

سلطان قطب‌الدین ایبک در ۶۰۴-۱۲۱۰ در شهر لاهور در موقع بازی چوگان از اسب افتاد و جان خود را به جان آفرین سپرد<sup>۴</sup> - مزار او در وسط شهر لاهور است و دولت پاکستان تعمیر مقبره‌ای که شایان شان مؤسس اولین خانواده سلاطین مسلمان دهلی باشد، در نظر دارد.

از تفصیل وقایع دوره حکومت سلاطین مملوک در گذریم و فقط به بعضی از وقایع تاریخی اشاره می‌کنیم که به دوره‌های بعضی از سلاطین بزرگه این خانواده اتفاق افتاده است.  
 سلطان شمس‌الدین التتمش سومین پادشاه سلاطین مملوک، در ۶۰۷-۱۲۱۰ بر تخت سلطنت نشست. وی نواحی دیگر شبه قاره را تسخیر نموده با سلطنت دهلی ملحق نمود. او اولین پادشاه دهلی است که تاج‌الدین ایلدوز، فرمانروائی غزنین و ناصرالدین قباچه<sup>۵</sup> فرمانروای سند را شکست داد.<sup>۶</sup>

التتمش اولین پادشاه مسلمان دهلی بوده است که در سنه ۸۲۶-۱۲۲۹ سند خلافت وعبای شاهی را از مستنصر بالله (۶۲۳-۶۳۰-۱۲۲۶-۱۲۳۲) خلیفه عباسی بغداد یافته<sup>۸</sup>

۱- «تاریخ مسلمانان پاکستان و بھارت (هند)» ص ۱۶۷

۲- «تاریخ مسلمانان پاکستان و بھارت (هند)» ص ۱۶۷

3 - A concise History of the Indian people, H.G. Rawlinson London, 1952, p. 124.

۴- «تاریخ مسلمانان پاکستان و بھارت» ص ۱۶۷

۵- ایضاً ص ۱۶۷

۶- سلطان ناصرالدین قباچه سرپرست و مربی نورالدین عوفی، صاحب کتاب «لباب‌الالباب» و «جوامع‌الحکایات» بود، رجوع کنید به «تاریخ زبان فارسی» تألیف دکتر غلام سرور، ص ۷۳

7- The Cambridge History of India, Vol. III., pp. 52-54

۸- «تاریخ مسلمانان پاکستان و بھارت (هند)» ص ۱۷۷

است. سلطان شمس‌الدین التتمش در دوره حکومت خود برای استحکام نظم حکومت يك مجلس شورایی را تشکیل داد که مشتمل بوده است برچهل نفر از امرای ترك که موسوم بوده‌اند به «خوانین شمسیه» یا خوانین «چهل گانه»<sup>۱</sup>.

اولین ملکه مسلمان شبه قاره که موسوم به سلطانیه بوده‌است دختر همین سلطان شمس‌الدین التتمش بود، و از ۶۳۴ تا ۶۳۷ - ۱۲۳۶ تا ۱۲۳۹ بر تخت دهلی نشسته و فرمانروای شبه قاره بوده است<sup>۲</sup>.

در دوره حکومت سلطان ناصرالدین محمود ابن سلطان شمس‌الدین التتمش (۶۴۴-۱۲۴۶-۱۲۶۶) دو واقعه مهم بوجود آمد:

یکی ولادت شیخ شرف‌الدین احمد یحیی منیری در ۶۶۱-۱۲۶۳ که مهمترین مشائخ سلسله فردوسیة درهند بوده‌است و دیگری تکمیل تألیف کتاب معروف «طبقات ناصری» درموضوع تاریخ عمومی که مؤلف آن ابوعمرمناهج‌الدین عثمان بن سراج‌الدین الجوزجانی (المعروف بهمنه‌اج سراج) بوده است- مؤلف این کتاب را بنام سلطان ناصرالدین محمود منسوب نموده وصلات گرانبھائی یافته است<sup>۳</sup>.

آخرین سلطان بزرگ خانواده سلاطین مملوک غیاث‌الدین بلبن بود، که در ۶۶۴-۱۲۶۶ برتخت دهلی جلوس نمود، ویست ودوسال حکومت کرد<sup>۴</sup>.

چون در دوره‌های سلاطینی که بعد از التتمش جانشین‌اوشدند، «خوانین چهلگانه» جلوس پادشاهان را برتخت سلطنت وکناره‌گیری آنان را از آن بازیچه اطفال قرارداده بودند، سلطان بلبن تدابیری را بعمل آورد که در نتیجه آن اقتدار خوانین مزبور کاسته‌شد. پسر بزرگ سلطان بلبن شهزاده محمد که سمت استانداری ملتان را داشت، در ۶۸۴-۱۲۸۵ درموقع حمله مغول درنواحی ملتان بدرجه شهادت رسید وبعدها بنام «خان شهید» معروف گردید. شهزاده محمد سرپرست ومربی امیرخسرودهلوی وامیرحسن‌دهلوی دوشاعر معروف فارسی‌گوی شبه قاره بوده است- مرثی امیرخسرو وامیرحسن درباره شهادت شهزاده محمد بسیارمعروف است<sup>۵</sup>.

بلبن در ۶۸۶-۱۲۸۷ وفات یافت وسه‌سال بعد (در ۶۸۹-۱۲۹۰) سلطنت دهلی بدست خانواده خلجی انتقال یافت<sup>۶</sup>.

۱- «تاریخ پاکستان و هند» ص ۲۱۷

۲- ایضاً ص ۲۱۸-۲۱۹

۳- تاریخ مسلمانان پاکستان و بهارت ص ۲۴۲-۲۴۵

4 - The Mohammadan Dynasties, p. 299.

5 - The life works of Amir khusrau, D. Mohammad wahid Mirza, calcutta, 1935, pp.47-48 and 56-59.

۶- «تاریخ پاکستان و هند» ص ۲۳۲

### سلاطین خلجی ۶۸۹-۷۲۰ - ۱۲۹۰-۱۳۲۰

مؤسس خانواده سلاطین خلجی جلال‌الدین فیروز بود - وی پنج سال بعد از جلوس بر تخت دهلی در نتیجه توطئه‌ای که برادرزاده او علاء‌الدین محمد، استاندار کره، بر خلاف او چیده بود بقتل رسید و علاء‌الدین محمد جانشین او گردید.

سلطان علاء‌الدین محمد خلجی که پادشاهی او به بیست سال (۶۹۵-۷۱۵-۱۲۹۶-۱۳۱۶) دوام داشت یکی از بزرگترین سلاطین دهلی بشمار می‌رود.

در ۶۹۶-۱۲۹۷ سلطان علاء‌الدین محمد لشکر مغول را که مشتمل بر دوست هزار نفر بود به نیت حمله به پایتخت دهلی نزدیک بان شهر رسیده بود شکست سختی داد و سلطنت خود را از سر آنها حفظ نمود.

در دوره حکومت او نواحی گجرات و دکن مفتوح شده به سلطنت دهلی الحاق یافت. علاء‌الدین محمد خلجی در ۷۱۵-۱۳۱۶ وفات یافت و پنج سال بعد از آن پادشاهی خانواده خلجی در ۷۲۰-۱۳۲۰ به خاتمه رسید.

### سلاطین تغلقیه ۷۳۰-۸۱۷ - ۱۳۲۰-۱۴۱۴

مؤسس خانواده سلاطین تغلقیه غازي ملك تغلق ملقب به سلطان غیاث‌الدین تغلق بوده است. او در اواخر دوره حکومت خلجی‌ها استاندار پنجاب بوده و دوره هرچی و مرجی را که در اواخر دوره سلاطین خانواده خلجی در دهلی آغاز گردیده بود خاتمه داده در ۴۲۰-۱۳۲۰ بر تخت دهلی نشست. او در ۷۲۵-۱۳۲۵ در دهلی در حادثه‌ای وفات یافت و پسرش محمد جونا، بلقب سلطان محمد تغلق جانشین او گردید.

سلطان محمد تغلق بر زبان‌های فارسی و عربی تسلط کامل و در علوم تفسیر و حدیث و فقه و الهیات و فلسفه و تاریخ مهارت تمام می‌داشت، و بدین سبب در تمام سلاطین دهلی کم نظیر بوده است.

با وجود اینکه خوبها چون طبع او مجمع اعداد بود بعضی از کارهای او در باره نظم سلطنت، که ظاهراً خوب بود نتیجه‌ای نرسید و شرح مختصری از آنها بقرار ذیل است:

1 - The Cambridge History of India, Vol. III, p. 98

۲- «تاریخ پاکستان و هند» ص ۲۵۰-۲۵۱

3 - The Mohammedan Dynasties, pp. 297-299

4 - An Advanced History of India, p. 313.

۵- p. 313، ایضاً

۶- p: 313 - 316، ایضاً

۷- تاریخ مسلمانان پاکستان و بهارت ص ۳۰۹-۴۱۰ و «سلاطین دهلی کی مذهبی

رجحانات» تألیف خلیق احمد نظامی، طبع دهلی، ۱۳۷۷-۱۹۵۸ ص ۳۲۹

- ۱ - انتقال پایتخت از دهلی به دیوگری ده دکن که به « دولت آباد » موسوم گردید .
- ۲ - جمع آوری لشکری که مشتمل بر سیصد هزار سرباز بود برای حمله بر مغول در آسیای وسطی .
- ۳ - نشر نمودن اسکناس .
- ۴ - تسخیر نواحی همالیه .
- و همین سلطان محمد تغلق بوده است که تحفه چند توسط زین الدین مجد الملک، مقطع بهار خدمت شیخ شرف الدین احمد فرستاد و او را بقبول آن مجبور نمود .
- ابن بطوطه جهانگرد معروف مراکشی در ۷۳۴-۱۳۳۳ بدلهلی رسید و هشت سال بعنوان قاضی شهر در دهلی اقامت داشت ۴
- سلطان محمد تغلق در ۷۵۲-۱۳۵۱ وفات یافت و پسر عمیش بنام سلطان فیروز شاه تغلق بر تخت سلطنت نشست ۴
- سلطان فیروز شاه تغلق برای آبادانی مملکت اقدامات زیادی نمود . او نهرها احداث کرد ، پلها بر رودخانهها بست ، شهرهای نو تأسیس گردانید ، بیمارستانها تعمیر کرد ، مدرسهها ایجاد نمود و توجه مخصوصی بحفظ و نگهداشت آثار باستانی کرد . او دهلی نو بنام « فیروز آباد » تعمیر کرد و قلعه ویران آن امروز نیز بنام « کوتله فیروز شاه » موجود است ۴ او در شهر دهلی مدرسه بزرگی نیز تأسیس کرد ، که در آن مولانا مظفر شمس بلخی مرید خاص و اولین خلیفه شیخ شرف الدین احمد یحیی منبری سمت استادی را داشته است ۵
- در دوره همین پادشاه شیخ شرف الدین احمد یحیی منبری که ذکرش گذشت در ۷۸۲-۱۳۸۰ به رحمت حق پیوست ۶
- سلطان فیروز شاه تغلق در ۷۹۰-۱۳۸۸ تخت سلطنت دهلی را بنوه خود تغلق شاه
- 
- ۱ - مناقب الاصفیا (یعنی تذکره مشایخ سلسله فردوسی) تألیف شیخ شعیب فردوسی نسخه خطی، برگ ۱۴۹ ب
- ۲ - تاریخ پاکستان و هند، ص ۲۸۶
- ۳ - ایضاً ص ۲۸۴ و ۲۸۷
- ۴ - تاریخ پاکستان و هند، ص ۲۹۰-۲۹۴ و «تاریخ مسلمانان پاکستان و بهارت»، ص ۳۲۰-۳۲۴
- ۵ - مناقب الاصفیا، (خطی) برگ ۱۶۶ (الف) و ۱۶۶ (ب)
- ۶ - «وفات نامه» تألیف زین بدر عربی (که ضمیمه کتاب «راحت القلوب» است) (راحت القلوب مجموعه ای از ملفوظات حضرت مخدوم است)

### واگذار کرد و کمی بعد وفات یافت ۱

پادشاهی سلاطین خانواده تغلقیه در ۸۱۷-۱۴۱۴ بخاتم رسید .

حادثه مهمی که باید در ضمن دوره حکومت سلاطین خانواده تغلقیه ذکر شود ، حمله امیر تیمور بر دهلی است - امیر تیمور در ۸۰۱-۱۳۹۹ شبه قاره را مورد تاخت و تاز خود قرار داد و شهر دهلی را تاراج نموده بسیاری از اهالی شهر را کشت ۳

در خاتمه حکومت سلاطین خانواده تغلقیه در ۸۱۷-۱۴۱۴ سلاطین خانواده سادات جانشین آنان گردیدند و از ۸۱۷ تا ۸۵۵ (۱۴۱۴ تا ۱۴۱۵) حکومت داشتند .

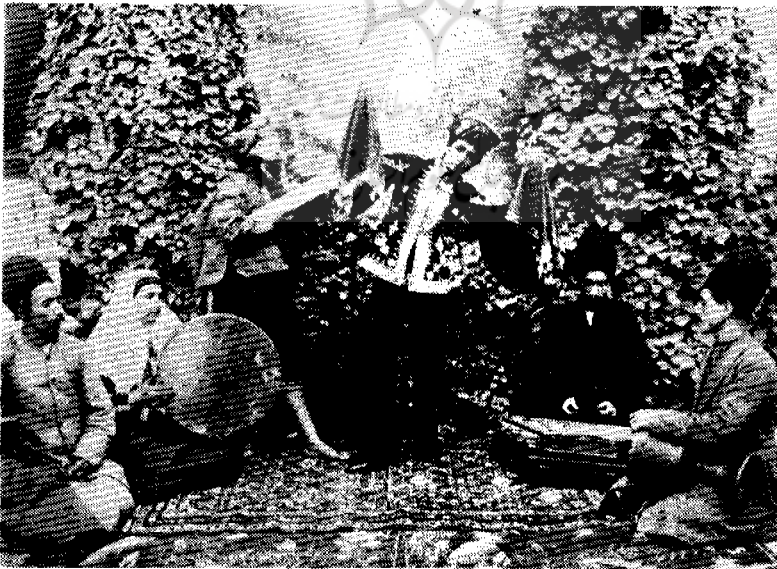
پنجمین خانواده سلاطین دهلی به « خانواده لودی » معروف است سلاطین خانواده لودی از ۸۵۵ تا ۹۳۲ (۱۴۵۱ تا ۱۵۲۶) بر تخت سلطنت دهلی بوده اند ۴  
البته ناگفته نماند که حکومت سلاطین دهلی بدست بابر پادشاه مؤسس سلسله شاهنشاهان مغول تیموریه در شبه قاره ۹۳۲-۱۵۲۴ انقراض یافت .

۱ - «تاریخ پاکستان و هند» ص ۲۹۵

۲ - «تاریخ پاکستان و هند» ص ۲۹۹

3 - The Mobawwodas Dynashis p. 300

### عمله طرب در دوره قاجاریه



از مجموعه عکسهای آقای حسین تقفی (اعزاز)